

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال – تورنتو

۱۶ جولای ۲۰۱۲

گزارشی مختصر از تجمع اعتراضی علیه

سیاست های ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران

به پاسخ دعوتی که آقای "سیامک ستوده"، یکی از نویسندگان سرشناس ایران که در عین زمان صاحب امتیاز و مدیر مسؤول ماهنامه "روشنگر" نیز می باشد، و تعدادی از سازمانها و احزاب ایرانی، که از باشندگان افغان و ایرانی مقیم تورنتو نموده بودند تا جهت اعتراض علیه سیاست های ضد انسانی و فاشیستی رژیم ولایت فقیه در مواجهه با پناهندگان افغان و تشکلات کارگری مستقل در داخل ایران، به خصوص کشت و کشتار سازمانیافته آن رژیم در این اواخر، به تاریخ ۱۴ جولای در میدان "لس من" از ساعت ۱۲ لی ۰۲ بعد از ظهر، جمع شده و نفرت و انزجار به حق شان را از آن سیاست ها و عاملان آن بیان دارند، تعدادی از افغانها که در بین آنها حضور عناصر بادر و مبارز چشمگیر بود، در کنار عده ای از ایرانیان مقیم بزرگ شهر تورنتو، در محل معین حاضر شده و هریک به نوبه خود، در افشای رژیم ولایت فقیه سخنانی چند ایراد و اعمال جنایتکارانه آن رژیم را تقبیح نمودند. از آنجائی که برگزار کنندگان آن تجمع اعتراضی، از اول برنامه داشتند تا حق ابراز سخن به هریک از کسانی که خواسته باشد، در مورد چیزی بگویند، داده شود در نتیجه در همان فاصله زمانی کوتاه دو ساعت حدود ۱۵ تن از حضار حاضر در تجمع که هریک از سازمان و یا حزب خاصی نمایندگی می نمودند از جمله - «حسین ارانی از طرف نشریه روشنگر، علی مشرف از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، رحمان نجات از حزب کمونیست ایران، شهلا دانشفر از حزب کمونیست کارگری ایران، امیر ماهان از شورای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، یدی محمودی از طرف ایران سولیداریتی، حمید قربانی از طرف نهادهای دفاع از کارگران ایران، اناهیتا رحمانی از طرف سازمان زنان هشت مارچ، آقای قلی پور از طرف سکولارهای سبز تورنتو، فاروق حقبین از جمله افغانهای حاضر در اعتراض و همچنین تعدادی از افراد و شخصیتهای سیاسی دیگر - سخنرانی نموده، ضمن دفاع از پناهندگان افغان، جنایات رژیم ولایت فقیه را افشاء و محکوم نمودند.

از آن جایی که اکثر سخنرانان صحبت شان را شفاهی تقدیم حضار می نمودند و با تأسف وسیله ضبط این قلم هم جای کافی برای ضبط تمام سخنرانی ها را نداشت، لذا با عرض پوزش خدمت سایر سخنرانان به خاطر آن که نمی توانم صحبت همه را به صورت مشروح انعکاس بدهم، می کوشم با بیان خطوط کلی تمام صحبت ها، صحبت آقای "علی مشرف" را که به نمایندگی از پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" در آن تجمع تقدیم حضار نمودند، بیشتر مورد مذاقه قرار بدهم.

علت این گزینش، صرف نظر از بیان ماهیت کار پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" که خلاف سایر سایتهای انترنیتی حیثیت خبر نگار و یا هم راپورتر صرف را نداشته و در هر جایی که زمینه تبارز و شرکت مستقیم وجود داشته باشد، از کران تا کران کره ارض، حضور فعال خویش را به وسیله هواداران به اثبات می رساند، محتوای سخنرانی آقای "علی مشرف" و مغایرت کامل آن با صحبت تمام سخنرانان دیگر بود. مغایرتی که اگر از یک جانب تنهائی پورتال را در جمع می رسانید، از طرف دیگر به خوانندگان پورتال درس "مقابل جریان شنا نمودن" و "وفاداری به استقلال" پورتال را گوشزد می نماید.

به دنبال آن که آقای "بابک یزدی" به مثابه فردی که تمام زحمات تخنیک را متقبل شده بود، افتتاح جلسه را اعلام و از آقای "حسین ارانی" که به نمایندگی از نشریه "روشنگر" میزبان تجمع به شمار می رفت، خواهش نمود تا پشت میکروفون قرار گرفته، تجمع اعتراضی را رسماً به پیش ببرد. از آن جایی که صحبت تمام سخنرانان - به استثنای "علی مشرف" و دو تن دیگر، در واقع بیان عین مواضع گاهی با کلمات متفاوت و زمانی هم با نحوه بیان و طرز متفاوت تلفظ کلمات با هم یکسان بود، در اینجا خواهم کوشید تا خطوط مشترک تمام صحبت ها را مشخص نمایم. در خطوط کلی آن تمام سخنرانان، بدون استثناء بر چند نکته تأکید می ورزیدند:

۱- افغانهای پناهنده که از روی فقر و درماندگی به ایران آمده اند، مظلومترین، تحت فشار ترین و محکومترین باشندگان را در ایران تحت قیادت رژیم جمهوری اسلامی می سازند.

۲- موج تجاوزات اخیری را که علیه افغانها به راه انداخته شده، رژیم به خاطر منحرف ساختن اذهان ایرانی ها از مشکلات خودشان که همه ناشی از سیاست های ضد انسانی رژیم می باشد، برخاسته است.

۳- رژیم نه تنها بالای افغانها فشار وارد نموده هستی آنها را به تاراج می برد، بلکه بالای طبقه کارگر ایران نیز عین فشار را وارد نموده، زندانها را از آنها پر نموده است.

۴- مسأله یزد و تجاوز بالای تمام افغانها، از آن جایی که تاحال ثابت نشده لذا یک توطئه ای است از جانب خود رژیم و عمال چاقو کش آن.

۵- تمام افغانهایی که در ایران طی سه دهه اخیر اقامت داشته اند، از حق شهروندی برخوردار بوده و باید به همه آنها حق شهروندی داده شود.

۶- آن عده از کودکانی که در ایران تولد یافته اند، صرف نظر از آن که پدر و مادرشان تبعه کدام کشوری است، ایرانی بوده به مانند تمام ایرانیان دیگر از حقوق مساوی برخوردار اند.

۷- آزادی زندانیان سیاسی کارگری، ختم سیاست تبعیض علیه افغانها، سرنگونی جمهوری اسلامی با تبعات آن از جمله خواسته های آن تجمع به شمار می رفت.

با آن که آقای "علی مشرف" که به نمایندگی از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" صحبت نمود، به حساب نوبت در واقع اولین سخنران تجمع به شمار می رفت. در صورتی که صحبت کوتاه آقای حسین ارانی را که به مثابه گرداننده تجمع به شمار می رفت، به حساب نیلوریم. و در جریان صحبت شان که در ذیل گزارش کامل آن را

از نظر خواهید گذراند، بر مشکلات افغانستان در سه دهه اخیر به صورت مستقیم روشنائی انداختند، مگر با تأسف سخنانان هریک چنان به نکاتی که از قبل آمادگی بیان آن را داشتند، چسبیده بودند که برخی ها کمتر متوجه ظرافت قضیه شده و برخی دیگر نخواستند متوجه آن گردند، تصویری را که از جامعه فعلی افغانستان و مشکل میلیونها پناهنده آن به نمایش گذاشتند؛ چنان بود که گویا تمام مشکل مردم افغانستان، موجودیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می باشد، تو گوئی هرگاه آن رژیم نباشد برای افغانستان ها هم هیچ مشکلی باقی نمانده، از فرط شادی به پرواز خواهند پرداخت.

قبل از آن که قضاوت خودم را به مثابه یک بیننده بیان دارم، توجه شما را به بخش هائی از صحبت آقای "مشرف" جلب می نمایم:

آقای "مشرف" از موقف یک افغان و یک تن از همکاران پورتال، به خاطر حضور آنها در آن تجمع، سپاس خود و پورتال را برای فرد فرد حضار ابراز داشته، به سخنش چنین ادامه داد.

"دوستان عزیز!

در اینجا برخی از دوستان با بسیار مهربانی می خواهند، پناهندگان افغان را، عده ای از انسانهای معرفی بدارند که برای یافتن لقمه نانی ترک دیار نموده و حاضر اند سخت ترین کارها و هزاران توهین را به خاطر آن بپذیرند.

دوستان عزیز، چنین قضاوتی اگر رگه هائی از واقعیت را هم داشته باشد به یقین نه تنها تمام واقعیت نیست، بلکه بخش مهم آن نیز نمی باشد، زیرا چنین طرز دیدی گذشته از این که پناهندگان سیاسی افغان را به سرحد مهاجران اقتصادی نزدیک می سازد، مدت زمان ۳۵ سال اخیر را در افغانستان به هیچ وجه بازتاب نمی دهد.

هرگاه بپذیریم که افغانستانها بر مبنای مشکلات مالی و اقتصادی به ایران آمده اند، می تواند بدان معنا باشد که گویا در افغانستان، نه اشغالگران روسی و جود داشته، نه حاکمیت سیاه قداره بندگان اسلامی و نه اینک اشغالگران امپریالیستی و شرکای شان در افغانستان جویهای خون به راه انداخته اند.

دوستان!

در دهه ۵۰ از سال خورشیدی از طرف "کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور" ۳ اصطلاح را ما در نشرات شان می دیدیم، اصطلاحاتی که گاهی عده ای از شعراء بهترین پارچه های شعری شان را در توضیح همان اصطلاحات می سرودند. اصطلاح ۳ کوه زشت. ۳ کوه زشت که امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و ارتجاع را نمایندگی می نمود.

واقعیت قضیه این است که ظرف ۳۵ سال اخیر مردم افغانستان، به جولانگاه جنایات هر سه کوه زشت مبدل شده است، ۱۴ سال روسها و مزدوران شان خون خلق ما را ریختند، حدود ۱۰ سال ارتجاع سیاه چه به شکل اخوانی و جهادی و چه به شکل طالبی آن خون مردم ما را به شیشه نموده، سنگ آسیاب قرون را بر آنها گرداندند و اینک هم از ۱۱ سال بدین طرف، امپریالیزم غرب و شرکای آنها به سرمداری امپریالیزم امریکا، کشور ما را اشغال نموده و باز هم در هر گوشه آن جوی های خون جاری ساخته، قریه قریه کشور را به حمام خون مبدل نموده است.

در چنین حالتی است که میلیونها افغان، از افغانستان بیرون شده راهی کشورهای دور و نزدیک می گردند. به تعبیر دیگر آنها به دنبال لقمه نان برای خود و فرزندان شان، خانه و کاشانه شان را ترک ننوده اند، بلکه به منظور زنده ماندن شان از تجاوزات پیهمی که ۳ کوه زشت بر آنها می نماید، به این کشور و آن کشور پناهنده شده اند. لذا از نظر ما وقتی رژیم دد منش و تاریخزده ولایت فقیه دست از آستین جنایت بیرون کرده و اولتر از همه به افغان کشی می پردازد، او می خواهد به رقبای جهانی و منطقه ئی اش بگوید:

اگر زورم به شما نمی‌رسد، میلیون‌ها افغان را که شما کشورشان را اشغال نموده‌اید، چنان در کشتارگاه‌های خویش سر ببرم و به چهار میخ بکشم که همه حد اقل با مراجعت به کشورشان، بتوانند مشکلی در تحقق اهداف امپریالیستی شما به وجود بیاورند.

در چنین فضائی وقتی امپریالیزم قادر شده با اشغال کشور، عامل پناهندگی را روز تا روز تشدید نماید و دولت دست نشانده و مزدورش، از رژیم ولایت فقیه "خون پولی" دریافت می‌دارد، اینجاست که افغان پناهنده سنگ زیرین آسیاب امپریالیزم و ارتجاع می‌گردد.

آنها تنها در ایران به بی‌حقوقی و کشتار محکوم نمی‌گردند، بلکه عین حکم را در پاکستان نیز بالای آنها تطبیق می‌نمایند و همان حکم را در داخل افغانستان نیز بر آنها تطبیق نموده، اگر یک روز در پنجوایی خون زنان و کودکان افغان به وسیله سربازان امریکائی ریختانده می‌شود روز دیگر در بالابلوک، کندوز، کنر، قندهار، لغمان، لوگر و پکتیا به ده‌ها تن از آنها نابود می‌گردند.

توقع ما از نهادهای مبارزاتی ایران و سایر کشورهایی که می‌خواهند به راستی به خلق افغانستان، کمکی انجام دهند، آن است تا ما را در زدن آن ۳ کوه زشتی که یا هم اکنون در افغانستان سایه سیاه‌شان را پهن نموده‌اند و یا هم در زیر تاریکی غالب خود را پنهان نموده‌اند، یاری برسانند، تا با اتحاد مردمی در مقابل ارتجاع و امپریالیزم متحد، جنگ آزادیبخش خویش را پیش برده آن را به یک انقلاب رهائیبخش تکامل بدهیم.

فقط در صورتی که افغانستان آزاد، مستقل و مرفه‌عاری از حاکمیت امپریالیزم و ایادی آن اعم از تکنوکرات و سکولار و نیروهای تاریخزده و ارتجاعی وجود داشته باشد، نه تنها میلیون‌ها افغان از هر گوشه‌ای که هستند دوباره به میهن‌شان برخواهند گشت، بلکه می‌توانید مطمئن باشید افغانهای آزاده بزرگترین پشت و پناه جنبش‌های انقلابی نیز شده به مثابه میزبانان نیک از هم‌زمان خویش نیز استقبال خواهند نمود» - با عرض معذرت خدمت آقای "مشرف" اگر حین ویراستاری از زبان گفتار به زبان نوشته، تغییری در کاربرد جملات آنها آمده باشد.

خوانندگان گرامی!

با تمام احترامی که باید به شرکت‌کنندگان آن تجمع اعتراضی که به مثابه همبستگی با مردم افغانستان دایر نموده بودند، می‌باید داشت، جای بس تأسف است که تمام سخنرانان چه قبل از آقای "مشرف" و چه هم بعد از وی، زمانی که اوضاع افغانستان را می‌خواستند ترسیم نمایند، به جرأت می‌نویسم چنان سبکسرانه برخورد نمودند، تو گوئی در فرهنگ آنها اساساً چیزی به نام ۳ کوه زشت وجود نداشته و اینک هم وجود ندارد. نه سوسیال‌امپریالیزمی بوده، نه امپریالیزمی وجود دارد و نه هم ارتجاع سیاه مذهبی در مجموع. بلکه هر چه است، جمهوری اسلامی است و باز هم جمهوری اسلامی.

چنین موفق‌گیری در قبال ایران حتا اگر درست و بجا هم باشد- در آن هم نباید پیوند رژیم ولایت فقیه با امپریالیزم و صهیونیسم را نادیده گرفت- به ارتباط افغانستان اشغالی به وسیله ۴۴ کشور، نه تنها درست نیست بلکه جنایات رژیم ولایت فقیه را از جایگاه تابع آن بالا بردن و آن را به جایگاه اساسی و عمده برای مردم افغانستان مشخص نمودن، راست و پوست‌کنده خاک پاشیدن به چشم مردم و خدمت به استعمار می‌باشد. این درست است که رژیم ولایت فقیه، در کنار جنایاتی که بر خلق ایران و به خصوص نیروهای انقلابی و حتا تحول‌طلب آن جا وارد می‌نماید هرگاه و بیگاه در صورتی که خواسته، دست به کشتار بیرحمانه پناهندگان افغان نیز زده است، مگر این را نباید فراموش نمود که نقش کنونی رژیم ولایت فقیه در افغانستان با در نظر داشت دم‌ها و دمچه‌های آن، در مقایسه با امپریالیزم اشغالگر امریکا و شرکاء به هیچ صورت عمده نبوده، سرنگونی آن رژیم نمی‌تواند معضل مستعمره بودن

افغانستان را حل نماید - در صورتی که نیروهای انقلابی در آنجا به قدرت برسند، ممکن شرایط بهتری برای کار انقلابیون افغانستان به وجود بیاید، تصویری که فعلاً در چشم‌رس قرار ندارد- و تا زمانی که افغانستان مستعمره و یک نظام مستعمراتی وجود دارد، و در هر گوشه آن جویهای خون از طرف دشمنان ملت جاری می‌گردد، معضل پناهندگان افغان نیز باقی خواهد ماند.

خلاف تمام سخنرانان که در مواجهه با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و نقش جنایتکارانه آنها در افغانستان با متواری ساختن میلیون‌ها افغان از خانه و کاشانه آنها، به اصطلاح "سرمه" خورده و لال شده بودند، دو تن از سخنرانان آقایان "رحمان نجات" و "فاروق حق‌بین" در بدبختی‌های مردم افغانستان و میلیون‌ها پناهنده آن، از نقش منفی دولت "کرزی" نیز نام بردند.

نباید نادیده گرفت که اداره مستعمراتی "کرزی" را دیدن و نیروهای اشغالگر و خالقان آن اداره را ندیدن، اگر از سوئی همان مثل معروف یعنی "درخت را دیدن و جنگل را فراموش نمودن" را می‌رساند، از سوی دیگر خواستهای مبارزاتی مردم افغانستان را تا سرحد جابجائی کرزی با این فرد و یا آن فرد تنزل داده، اگر آگاهانه صورت گرفته باشد و یا بگیرد، چیزی نیست به جز خدمت به امپریالیسم.

بر مبنای بی‌پژواک ماندن صدای آقای "مشرف" از طرف سخنرانان و خلاف آن تأیید عده زیادی از حضار از آن مواضع و حتا انتقاد مستقیم چند تن از آنها از آقای "مشرف" که چرا در جلسات دیگر حاضر نبوده اند تا مواضع درست و انقلابی شان را بدون نماینده نگذارند، اگر پای مشکلات تخنیکی نباشد، باید بپذیریم که آقای "مشرف" و سایر همکاران پورتال نیز، باید وظایف شان را جدیتر از قبل پیش برده، حضور و تأثیرگذاری شان را در همچو مجالس مستمر بسازند.